گزارش

بازتاب رزمایش «پیامبر اعظم۱۷» در رسانه‌های خارجی

رسانه‌های خارجی با تمرکز بر برگزاری رزمایش مشترک «پیامبر اعظم (ص) ۱۷» تاکید کردند که این رزمایش انواع موشک‌های خود را به نمایش گذاشت. همزمان با برگزاری رزمایش جدید از سوی نیروهای سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در جنوب کشور، رسانه‌های خارجی بعد از ظهر دوشنبه به وقت تهران به واکنش در این زمینه پرداختند. شبکه خبری انگلیسی «اسکای نیوز» گزارش داد که ایران در این رزمایش انواع موشک‌های خود را به نمایش گذاشت. اسکای نیوز با نمایش فیلمی از این رزمایش نوشت، ایران به فهرست کشورهایی می‌پیوندد که هنگام برگزاری رزمایش به سرعت تجهیزات در حال آزمایش را به تصاویر می‌کشاند. شبکه خبری روسی «راشاتودی» نیز در این زمینه نوشت، ایران در رزمایش جدید خود موشک‌های بالستیک و کروز را شلیک کرد. موشک‌های بالستیک ایران بر برای معادل ۲۰۰۰ کیلومتر (۱۲۰۰ مایل) دارند، به این معنی که می‌توانند به پایگاه‌های آمریکا در منطقه و همچنین اهدافی در اسرائیل برسند. خبرگزاری «رویترز» نیز نوشت، ایران نسبت به پاسخ «کوبنده» به هرگونه اقدام از سوی اسرائیل، که مخالف تلاش‌های قدرت‌های جهانی برای احیای توافق هسته‌ای ۲۰۱۵ تهران هستند، هشدار داد. در این رزمایش همزمان پنج موشک کروز و پهپادهای مسلح به اهداف از قبل تعیین شده حمله کردند. روزنامه مهم‌نیستی «جروزالم پست» نیز در گزارشی نوشت، ایران توان موشک‌های خود را به عنوان بخشی از رزمایش «پیامبر اعظم- ۱۷» نشان می‌دهد. به نوشته این روزنامه، ایران در دومین روز از این رزمایش با موشک، پهپاد و سایر تسلیحات تمرین کرد. در این مرحله از رزمایش، موشک‌های بالستیک زمین به زمین به اهداف از پیش تعیین شده اصابت کردند. ایران همچنین گفته است که اهداف شناور دشمن فرضی را که با شلیک موشک‌های زمین به زمین و ساحل به دریا منهدم شده‌اند، شبیه‌سازی کرده است. بر اساس این گزارش، دومین روز رزمایش پیامبر اعظم (ص) ۱۷ از روز دوشنبه ۲۹ آذر ماه آغاز شده و به مدت پنج روز در سواحل خلیج فارس، تنگه هرمز و منطقه عمومی استان‌های هرمزگان، بوشهر و خوزستان با حضور یگان‌هایی از نیروهای زمینی، دریایی و هوافضای سپاه و همچنین برخی از یگان‌های مردم پایه بسیج مستضعفین برگزار می‌شود. این رزمایش با رمز مقدس «یا فاطمه الزهرا (س)» و با شعار «اقتدار، امنیت و بازدارندگی فعال و هوشمندانه در سایه وحدت، همدلی و یکپارچگی ملی» در راستای افزایش سطح آمادگی‌های رزمی سپاه پاسداران انقلاب اسلامی با بهره‌گیری از پیشرفته‌ترین تجهیزات و تاکتیک‌ها برای مقابله با تهدیدات متصور و جنگ‌های ترکیبی برگزار می‌شود. سردار سرلشکر پاسدار «حسین سلامی»، فرمانده کل سپاه پاسداران انقلاب اسلامی در حاشیه برگزاری دومین روز رزمایش مشترک پیامبر اعظم (ص) ۱۷ در جمع خبرنگاران با بیان این که امروز شاهد صحنه یک رزمایش دقیق و واقعی بودیم گفت: نقطه اوج تلاش و عمل برادران نیروی دریایی سپاه کیفیت، اثربخشی و دقت عمل سامانه‌ها بود. وی افزود: «امروز شاهد بودیم که هم پهپادهای نیروی دریایی سپاه به صورت دقیق از فواصل مختلف اهداف را مورد اصابت قرار دادند و هم موشک‌های بالستیک به عنوان پدیده‌های جدید نیرو و موشک‌های کروز اهداف از پیش تعیین‌شده در فواصل و با شرایط مختلف را با دقت صد درصد مورد اصابت قرار دادند.» سرلشکر سلامی دقت در اصابت به اهداف، انعطاف در به‌رده‌ای متفاوت و قابلیت عملیات همزمان روی هدف‌های ثابت یا متحرک را از وجوه برجسته این مرحله از رزمایش پیامبر اعظم (ص) ۱۷ برشمرد و گفت: «ما ارزیابی دقیقی که از منحنی‌های رشد قدرت دفاعی دارم در دو روز اخیر در نیروی دریایی سپاه جهش در قدرت دفاعی را ملاحظه کردم.» فرمانده کل سپاه در پایان تاکید کرد: «ورود فناوری‌های جدید اعم از هوش مصنوعی و فناوری استفاده از پهپادها در اعماق متعدد و موشک‌ها در طیف وسیعی از بردها با دقت‌های قابل قبول نشانگر دستیابی نیروی دریایی سپاه به نقاط درخشان در مسیر تکامل قدرت خود است.»

معکوس

نقش احمدی‌نژادی‌ها در دولت جدید

محمد هاشمی، رئیس سابق سازمان صدا و سیما درباره نقش احمدی‌نژادی‌ها در دولت جدید و جبهه پایداری گفت: «الان اگر ترکیب دولت سیزدهم را ببینید همان احمدی‌نژادی‌ها در پست‌های حساس هستند، همان کسانی که وزیر و معاون بودند، الان هم همان‌ها در دولت حضور دارند و مفهومش همین است که این جریان اصولگرای تندرو در دولت هستند. دکتر لاریجانی هم اصولگرا است و از اول هم بوده است حتی در مواردی مقداری تندروی هم کرده است اما در شرایط فعلی او را هم نمی‌پذیرند ورد صلاحیت می‌شود اما احمدی‌نژاد هر چیزی می‌خواهد می‌گوید و کسی حرفی با او ندارد و نیز وهابیش در پست‌های کلیدی هستند.» او در ادامه درباره ریشه شکل‌گیری تندروی در دو دهه اخیر به سایت «خبر سراسری» گفت: «اگر بخواهیم ریشه‌ای نگاه کنیم بعد از پیروزی اصلاح‌طلبان در دوم خرداد و شکل‌گیری حزب مشارکت و مجلس ششم جهت‌گیری‌ها تند شد و کسانیکه در پست‌های کلیدی هم بودند با نشریه های آمریکایی گفت‌وگو می‌کردند و حرف‌های ساختارشکنانه می‌زدند. در دو سال اول پیروزی آقای خاتمی اصولگرایان شکستی را که خورده بودند باور نمی‌کردند و به قول موحدی کرمانی می‌گفتیم هنوز نفهمیدیم چه شده و نمی‌دانیم چه باید بکنیم اما نیروهایشان را سازماندهی کردند و ساختاری درست شد که جلو رفتار های اصلاح‌طلبان و مشارکتی‌ها را بگیرند و از آنجا مسائل شروع شد و همین‌طور ادامه پیدا کرد. مجلس ششم هم دیدید که حتی نسبت به آقای هاشمی چه رفتار ساختارشکنانه از سر غرور انجام دادند و فکر می‌کردند همه کار می‌توانند انجام دهند. حتی آقای تاجزاده و میردامادی در انتخابات صحبت کردند و برخی از اصلاح‌طلبان گفتند اگر آقای هاشمی در انتخابات مجلس رای هم بیاورد ما اعتبارنامه او را رد می‌کنیم تا نماینده تهران نشود.»

عکس: آرمان ملی/ فاطمه فتاحی

دکتر فیاض زاهد در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

لااقل بین «رقیب داخلی» و «کشورهای غربی» تعادل ایجاد کنید

در نهایت بین ایران و آمریکا «صلح مسلح» به‌وجود می‌آید

تیم مذاکره‌کننده امتیازهای بیشتری از دولت روحانی می‌دهد

ایران و کشورهای غربی در نهایت به تداوم برجام تن خواهند داد

هدف دولت انکار میراث گذشته در مذاکرات است

اختیارات ظریف و عراقچی در مذاکرات نسبت به باقری بیشتر بود

تیم مذاکره‌کننده هم با خود می‌جنگد هم با رقیب خارجی

تیم مذاکره‌کننده ایران به تیم قبلی مانند یک هوونگاه می‌کند

ایران و آمریکا در نهایت به یک توافق موقت دست پیدا می‌کنند

آرمان ملی - احسان انصاری: چرا تیم مذاکره‌کننده ایران در دو دور مذاکرات اخیر خواستار توقف مذاکرات و بازگشت به تهران شده است؟ آیا غرب از تهران امتیازهای بیشتری خواسته است؟ آیا رفتارشناسی تیم مذاکره‌کننده ایران نشان می‌دهد که از تسلط و کارآیی لازم برای مذاکره برخوردار است؟ در چه شرایطی ایران و کشورهای غربی به سمت توافق حرکت خواهند کرد؟ آیا این توافق موقت خواهد بود یا دائمی؟ «آرمان ملی» برای پاسخ به این سؤالات با دکتر فیاض زاهد استاد دانشگاه و تحلیلگر سیاسی گفت‌وگو کرده است. در ادامه ماحصل این گفت‌وگو را می‌خوانید.

تیم لیگ برتری بازی می‌کرده اما در نیمه دوم این تیم لیگ برتری از بازی خارج‌شده و جای خود را به یکی از تیم‌های محلات داده است. به نظر شما چه اتفاقی رخ می‌دهد؟ این وضعیت به سود طرف خارجی است. به این دلیل که تیم جدید به بر فنون مذاکره تسلط دارد و نه به زبان گفت‌وگو آشنایی دارد و نه نسبت به سابقه گفت‌وگوها اعتماد به نفس دارد. با این‌وجود این تیم جدید دارای یک ویژگی بود که این ویژگی شاید بتواند به این تیم کمک کند. این تیم نشان داد که تیم سرسختی است. غیرقابل انعطاف است، ایدئولوژیک است و نسبت به‌طرف مقابل در هیچ سطحی اعتماد ندارد. تیم ایران از نظر آداب، ماهیت و درک مانیفست امکان تحقق گفت‌وگوهای طرفینی به‌طرف مقابل شک داشت. به همین دلیل کشورهای غربی که مدعی بودند ایران درصد غنی‌سازی خود را افزایش داده و به ۶۰ درصد رسانده است و اسرائیل که به‌عنوان متناور خبیث کشورهای غربی که مدام در گوش آمریکا و کشورهای اروپایی این نکته را زمزمه می‌کرد که ایران در حال حرکت به سمت غنی‌سازی ۹۰ درصدی است می‌توانست فشار را به ایران افزایش بدهند اما فشارها را نسبت به کشورهای غربی نیز افزایش داد. کشورهای غربی هنوز هم با هرگونه امتیاز دادن و گرفتن که منتج به گزینه صلح‌آمیز شود در مقابل گزینه جنگ هنوز گزینه نخست را ترجیح می‌دهد. برای دولت بایدن این مسأله مهم است که با ایران به توافق برسد اما سؤال این است که آیا دولت بایدن تحت هر شرایطی با ایران به توافق خواهد رسید؟ در جمع‌بندی کلی تیم مذاکره‌کننده جدید از آنجا که نشان می‌دهد یک «گروه خشن» است و عنوان می‌کند با دادن امتیاز کمتر غرب را وادار می‌کند که به گفت‌وگوها به صورت جدی‌تری نگاه کند تا شرایط بدتر از این نشود. هرچند معتقدم تیم مذاکره‌کننده کنونی برای رسیدن به توافق امتیازهای بیشتری به‌طرف غربی می‌دهد حتی بیشتر از آنچه دولت روحانی به آنها داد. این تیم امیدوار است به یک درک بینابین برای درک شرایط جدید موفق شود که این یکی از مزیت‌های تیم مذاکره‌کننده ایران است. مزیت دوم این است که این علی باقری و دوستان وی نیستند که در حال مذاکره با کشورهای غربی هستند. باقری و دوستانش تنها چهره‌هایی هستند که با غرب مذاکره می‌کنند و این نهادها و دفاتر عالی رتبه تصمیم‌گیری در ایران این تصمیمات را اتخاذ می‌کنند.

> تنظیم و حفظ تعادل بین آنچه رقیب داخلی به دست آورده که باید خفیف شمرده شود و نباید اجازه می‌داد دستاوردهای مذاکرات به نام آنها تمام شود از یک طرف و از طرف دیگر رندی کشورهای غربی در مذاکرات باعث شد که تیم مذاکره‌کننده ایران تاکنون نتواند دستاوردی مهمی به دست بیاورد

چرا تیم مذاکره‌کننده جدید ایران از اختیارات کافی برای تصمیم‌گیری در مذاکرات برخوردار نیست. آیا تیم دولت روحانی نیز در همین وضعیت قرار داشت؟

تیم مذاکره‌کننده ایران در دو دور اخیر مذاکرات پیشنهادات خود را به‌طرف غربی داده است. با این وجود هنوز مذاکرات در مسیری جریان پیدا نکرده که امیدواری نسبت به توافق وجود داشته باشد. آیا رویکردی که ایران در مذاکرات در پیش‌گرفته در نهایت به نتیجه خواهد رسید؟

تیم مذاکره‌کننده ایران به‌صورت همزمان در دو جبهه در حال نبرد است. نخست با خود و دوم با رقیب خارجی. با خود می‌جنگد به این دلیل که تیم مذاکره‌کننده قبلی بر آنکه در شش دور گذشته فعالیت می‌کرده و کار را به این نقطه رسانده در صورت رسیدن به توافق مانند هوویی است که از مزایای سیاسی و توجه افکار عمومی در داخل کشور بهره‌مند خواهد شد. لذا با آنچه دستاورد تیم جواد ظریف و حسن روحانی است مانند یک دستمال چرکین رفتار کرد و مدعی این بود که می‌تواند شرایط بهتری در این بازار به‌وجود بیاورد. از طرف دیگر این تیم باید با چند کشور اروپایی که سابقه خوبی در وفای به عهد ندارند مذاکره کند. این کشورها وضعیت ایران را مانند مبارزی می‌بینند که در گوشه رینگ هوای مناسبی برای تنفس ندارد، آب‌خنکی برای تجدید قوا ندارد و در میان هیاهو و فشارهای درونی و بیرونی قرار گرفته است. براثر خروج ترامپ از برجام و اعمال تحریم علیه ایران حقوق ایران تضییع شده بود. با این وجود به‌جای اینکه دولت دموکرات بایدن و اتحادیه اروپا به روند صلح و به نتیجه رسیدن مذاکرات کمک کنند و فشارها را از روی ایران بردارند در عمل چنین کاری نکردند و این فشارها را نگه داشتند تا امتیازهای بیشتری از رقیب خسته و از نفس افتاده خود بگیرند. تیم مذاکره‌کننده ایران در چنین اتمسفری در حال آماده شدن برای حضور در مذاکرات وین بود. به همین دلیل تنظیم و حفظ تعادل بین آنچه رقیب داخلی به دست آورده که باید خفیف شمرده شود و نباید اجازه می‌داد دستاوردهای مذاکرات به نام آنها تمام شود از یک‌طرف و از طرف دیگر رندی کشورهای غربی در مذاکرات باعث شد که تیم مذاکره‌کننده ایران تاکنون نتواند دستاوردی در مذاکرات به دست بیاورد.

از زبانی شما از رفتارشناسی گروه مذاکره‌کننده ایران چیست؟ آیا تیم مذاکره‌کننده از رویکردهایی استفاده می‌کند که دست بالاتر را در مذاکرات در اختیار داشته باشد؟

به نظرم تیم کارشناسی مذاکرات نباید تغییر می‌کرد و بلکه باید بخش تعیین‌کننده آن حفظ می‌شد. تیم مذاکره‌کننده فعلی ایران مانند تیم فوتبالی است که در نیمه اول بازی یک تیم ظریف در یک چارچوب‌های مشخص امکان گفت‌وگوهای ایتکاری داشتند. در گذشته اهداف مشخص بود اما راه‌های رسیدن به هدف می‌توانست توسط ظریف، عراقچی و یا تخت روانچی تغییر کند و مسیر جدیدی پیدا کند. این در حالی است که در شرایط کنونی ظاهرا آقای باقری حتی این سطح از اختیارات را ندارد. از سوی دیگر باقری به زبان انگلیسی تسلط ندارد که این موضوع فرصت فکر کردن، بازبینی و انتقال مفاهیم را برای وی و تیم مذاکره‌کننده سخت می‌کند. در چنین شرایطی من نسبت به یک موضوع خوشبین هستم. حاکمیت قصد دارد به نتیجه‌ای برسد اما تلاش می‌کند زمان بخرد تا بگوید آنچه به ما دست آوردیم بر باقی‌مانده تلاش حسن روحانی و ظریف نیست. دولت تلاش می‌کند به شکلی رفتار کند که توافق احتمالی جدید نامش برجام نیست و فرجام است. هدف این است که میراث گذشته باید انکار شود. بهمن مفید در فیلم «قیصر» دیالوگ معروفی دارد با این مضمون که: «آنها زدند و ما خوردیم ولی ما می‌گوییم زدیم شما هم بگویید زدیم.»

> از آنجا که آمریکا به ایران تعهد نخواهد داد به صورت طبیعی دو طرف به سمت یک توافق موقت حرکت خواهند کرد. توافق موقتی که دو طرف همواره با این نگرانی مواجه هستند که ممکن است طرف مقابل از آن خارج شود و یا دولت بعد از آنها به این توافق متعهد نباشد. معتقدم نوعی «صلح مسلح» شکل خواهد گرفت

شما عنوان می‌کنید تیم مذاکره‌کننده جدید امتیازهای بیشتری از دولت روحانی به کشورهای غربی خواهد داد؟ دلایل شما چیست؟

تیم مذاکره‌کننده ایران در جزئیات و فرایندها کاملا تابع مرکزی است که در تهران طراحی‌شده و گام به گام مذاکرات را رصد می‌کند. هنگامی که مذاکرات در وین به پایان می‌رسد و مذاکره‌کننده عنوان می‌کند باید مذاکرات را متوقف کرد به معنای این است که از تیم ایران چیزی خواسته‌شده که فراتر از اختیارات و جمع‌بندی آنهاست و به همین دلیل ناچار است مذاکرات را متوقف کند و برای کسب تکلیف به تهران بازگردد. مشورت می‌توان سوالات تکنیکی درباره چگونگی کیفیت نظارت‌ها، زمان‌بندی نظارت‌ها، تعیین تکلیف اورانیوم تولیدشده، سوالات و رفع ابهامات درباره مراکز مشکوک از نظر کشورهای غربی و تعیین تکلیف درباره همه آنچه پس از برجام و خروج آمریکا از برجام رخ داده است باشد. مانند غنی‌سازی بیشتر، تعیین تکلیف مواد حاصله وسانتروفیوژهای نسل‌های جدید از جمله موضوعاتی می‌تواند باشد که در تهران مورد گفت‌وگو و تصمیم‌گیری قرار بگیرد. این وضعیت می‌تواند درباره مطالبات ایران و پاسخ‌ها و تحلیل‌هایی که طرف غربی نسبت به مطالبات ایران داده نیز باشد. همچنین پذیرش و یا عدم پذیرش بسته‌های تشویقی می‌تواند از جمله محورهای گفت‌وگوهای تیم مذاکره‌کننده با تصمیم‌گیرندگان در تهران باشد. با این‌وجود ما درباره جزئیات این گفت‌وگوها اطلاع دقیقی نداریم و تنها می‌توانیم تحلیل خود را ارائه کنیم و شرایط را حدس بزنیم.

با توجه به اینکه عمر برجامی که در سال ۲۰۱۵ حاصل‌شده تا سال ۲۰۲۳ خواهد بود آیا در مدت باقی‌مانده احتمال رسیدن طرفین به یک توافق موقت وجود دارد؟ از سوی دیگر به چه میزان این احتمال وجود دارد که عمر برجام بیشتر شود و طرفین نسبت به یک توافق بلندمدت دیگر به توافق برسند؟

تردیدی ندارم که طرف غربی و تیم مذاکره‌کننده ایرانی درنهایت به ادامه برجام تن خواهند داد. رفتار چین و روسیه با ایران به شکلی است که همواره از ایران بهره می‌برند. کشورهای اروپایی اگر اراده‌ای برای توافق داشته باشند و دوباره شرکت‌های پژو، رنو و شرکت‌های دیگر وارد اقتصاد ایران شوند تابعی است از سیاست‌های دولت بایدن. طرف اصلی مذاکرات در مقابل ایران آمریکاست و آنچه برای ایران دارای اهمیت است گرفتن تضمین از این کشور است. این در حالی است که مهم‌ترین دستور کار آمریکا این است که ایران درنهایت به سلاح هسته‌ای دست پیدا نکند. سوال مهم این است که آیا دولت آمریکا به دولت ایران تضمین خواهد داد؟ در پاسخ باید عنوان کرد خیر و چنین امکانی وجود ندارد. این اتفاق نیازمند یک توافق عمومی‌تر است. البته که ایران قصد ندارد در سطح عمومی‌تری با آمریکا توافق کند. به همین دلیل سطح مذاکرات مانند آنچه در دولت اوباما رخ داد به برنامه هسته‌ای ایران اختصاص خواهد داشت. دو طرف به سمت یک توافق موقت حرکت خواهند کرد. توافق موقتی که دو طرف همواره با این نگرانی مواجه هستند که ممکن است طرف مقابل از آن خارج شود و یا دولت بعد از آنها به این توافق متعهد نباشد. معتقدم نوعی «صلح مسلح» شکل خواهد گرفت. در چنین شرایطی ایران از دستاوردهای خودش نگهداری می‌کند تا اگر طرف مقابل به تعهدات خود عمل نکرد دوباره به فعالیت‌های گذشته خود بازگردد. در مقابل طرف مقابل از ابزار تحریم و خروج استفاده می‌کند تا ایران از مزایای استفاده از سیستم بانکی بین‌المللی، بیمه‌های بین‌المللی، کشتیرانی، سرمایه‌گذاری داخلی بهره‌مند نشود. در چنین شرایطی طرفین در شرایطی قرار می‌گیرند که نگرش امنیتی بر آن غلبه دارد تا زمانی که ایران تصمیم بگیرد به جهان از منظر توسعه نگاه کند باید گفت «همین آش است و همین کاسه.»

یادداشت

چاره جز بودجه انقباضی نیست

آلبرت بغزیان
اقتصاددان

یکی از بزرگ‌ترین چالش‌های جدی در بدنه اقتصاد تورم است و بودجه‌ای هم که به مجلس ارائه شده، بودجه انقباضی به‌شمار می‌آید. طبیعتا برای کنترل و مهار تورم دولت چاره‌ای جز اینکه بودجه را انقباضی ببندد، ندارد. لذا از این جهت که دولت هزینه‌های خود را خیلی افزایش نداده می‌شود گفت که اقدام درستی انجام داده و متناسب با شرایط فعلی اقتصاد است. از این جهت ایرادی به بودجه نمی‌توان گرفت. دولت چاره‌ای دیگر نداشت که اینگونه لایحه بودجه را ببندد. قطعا در شرایط تورمی دولت اگر بخواهد هزینه‌های خود را افزایش بدهد و با توجه به اینکه درآمد کافی ندارد قطعه به یقین گرفتار کسری بودجه می‌شود و برای تامین بودجه مجبور به چاپ اسکناس می‌شود و این چاپ پول تورم را تشدید می‌کند. لذا طبیعی است که در این شرایط باید بودجه انقباضی بسته شود سیاست مالی دولت باید انقباضی باشد و این کار را دولت در بودجه سال ۱۴۰۱ انجام داده است. بودجه ۱۴۰۱ انقباضی است و با شرایط اقتصادی انطباق دارد ولی اینکه آیا منابع عمومی به شکل عادلانه‌ای توزیع می‌شود این را نمی‌توان در واقع گفت که این بودجه به نسبت بودجه‌های سال قبل عادلانه‌تر است به ویژه اینکه دولت خیلی هزینه‌ها را افزایش نداد. حقوق و دستمزدها را حدودا ۱۰ درصد البته به شکل یکلاتی ولی ظاهرا بخش قابل ملاحظه‌ای از کارکنان دولت در سال آینده حقوق و دستمزدهایشان فقط ۱۰ درصد افزایش پیدا می‌کند این در حالی است که ما براساس آمار بانک مرکزی در سال ۱۴۰۰ فقط ۶۰ درصد افزایش حقوق داشتیم. با توجه به چنین افزایش یکلاتی دستمزدها باز هم عدالت رعایت نمی‌شود و زندگی کارمندان و کارگران به سختی خواهد بود. عدالت زمانی برقرار می‌شود که متناسب با تورمی که در اقتصاد وجود دارد حقوق و دستمزدها هم ترمیم شود. ولی دولت چاره‌ای نداشته و نمی‌توانست متناسب با نرخ تورم حقوق و دستمزدها را افزایش بدهد. چون درآمدی نداشته و در واقع اگر می‌خواست حقوق‌ها را متناسب با نرخ تورم افزایش بدهد این ضررش از منفعتی که دارد خیلی بیشتر می‌شد و در واقع تورم جدیدی که به وجود می‌آمد می‌توانست رفاه خانواده‌ها را بیشتر کاهش دهد. دولت با توجه به شرایط موجود و با توجه به محدودیت‌هایی که با آن مواجه بوده‌اند تصمیم گرفتند در سال ۱۴۰۱ حقوق و دستمزدها را خیلی تعمیم نکند که این قطعا یک فشاری را به کارکنان دولت و خانواده‌ها وارد می‌کند و البته فقط محدود به کارکنان هم نیست چون به احتمال زیاد حداقل دستمزد هم خیلی افزایش پیدا نمی‌کند.

نگره

دیوان عالی کشور سیف و عراقچی را مجرم ندانست

ادامه از صفحه دو /

پیامدهای یک تصمیم غلط

تصمیم غلط بانک مرکزی نه تنها به کنترل قیمت ارز هیچ کمکی نکرد بلکه باعث فاجعای بی‌رویه ارز به خارج از ایران و هدر رفتن حدود ۱۶۰ میلیون دلار و ۲۰ میلیون یورو از منابع ارزی کشور شد. آقاخانی نه تنها در یک اقدام کاملا انحصار طلبانه و غیرقانونی ارز دریافتی از بانک مرکزی را به جای تزریع در میان حدود ۶۰۰ صرافی رسمی در کشور تنها به ۱۵ صرافی می‌داده است، بلکه بخش قابل توجهی از آن را نیز به جیب دلالان و قاچاقچیان می‌ریخته و در این بین مصرف کننده واقعی بازار ارز هیچ بهره‌ای از این سرمایه کشور نمی‌برده است. بانک مرکزی نیز به رغم اطلاع از نحوه تزریع ارز توسط آقاخانی، هیچ اقدامی صورت نداده و در واقع در برابر این تخلفات چشم‌پوشی می‌کرده است. آقاخانی در ۲۸ مرحله ارز را از بانک مرکزی دریافت کرد که فقط در ۶ مرحله عوامل نظارتی حضور داشتند و در سایر مراحل تقریبا هیچ نظارتی بر اقدامات او انجام نمی‌شده و تمام فرایند از قیمت گذاری، تحویل، فروش و تسویه ارز دولتی با بانک مرکزی بر عهده خودش بوده است که این جزو خطاهای مهم سیف و سایر مدیران وقت بانک مرکزی در این پرونده است. نکته عجیب دیگر این که، بعد از دستگیری آقاخانی، بانک مرکزی به مراجع قضایی نامه رسمی زده و خواهان آزادی او شد. در آن نامه به مراجع قضایی اطلاعات غلط داده شد و بانک مرکزی تلاش می‌کرد مسیر پرونده را تغییر دهد که تنظیم کننده آن نامه جزو محکومین همین پرونده است. در نهایت ۱۳ مرداد ماه سال ۹۸ بود که نخستین جلسه دادگاه رسیدگی به پرونده اخلالگران ارزی مرتبط با حوزه بانک مرکزی در شعبه دوم دادگاه ویژه مفاسد اقتصادی برگزار شد. پس از انجام رسیدگی‌ها فرایندهای قضایی، دادگاه در خصوص متهمان پرونده فوق‌الذکر اقدام به صدور رای کرد و بدین ترتیب ولی‌ا... سیف رئیس وقت بانک مرکزی به تحمل ۱۰ سال، احمد عراقچی به ۸ سال و سالار آقاخانی به ۱۳ سال حبس محکوم شدند.

حکم دیوان عالی کشور

شعبه اول دیوان عالی کشور رای خود را درباره پرونده متهمان ارزی از جمله ولی‌ا... سیف رئیس کل اسبق بانک مرکزی، سید احمد عراقچی معاون اسبق رئیس بانک مرکزی و فرشاد حیدری معاون سابق نظارتی بانک مرکزی را صادر کرد. طبق رای دیوان عالی کشور پرونده برای بررسی مجدد به شعبه دیگری ارجاع می‌شود. بنابراین رای دادگاه قبلی مبنی بر مجرم بودن متهمان توسط دیوان عالی کشور نقض و پرونده مجددا رسیدگی می‌شود. در بخشی از حکم دیوان عالی کشور آمده است: مستدعیان اعاده دادرسی عبارتند از آقایان: ولی‌ا... سیف، سیداحمد عراقچی، سالار آقاخانی، میلاد گودرزی، سیدرسول سجاد، احسان معافی، علی اروند، فرشاد حیدری و میثم خدایی هر کدام از نامبردگان به شرح لایحه جداگانه‌ای با ادعای اینکه اقدامات صورت گرفته در توزیع ارز در اجرای سیاست بانک مرکزی و با هماهنگی مقامات نظارتی بوده است و هدف از این کار تسلط بر بازار ارز و کنترل آن است، استدعای تجویز اعاده دادرسی نموده‌اند. مطالب مذکور و نامه‌ها و مستندات فوق‌الذکر جملگی حکایت دارد که مستدعیان اعاده دادرسی، مجریان سیاست‌های کلان ارزی بوده‌اند با این وصف مجرمانه تلقی نمودن عملکرد آنان و انتساب بزه اخلال در نظام اقتصادی کشور توجیه قانونی نخواهد داشت.

مصطفی درایتی در گفت‌وگو با «آرمان ملی»:

چالش اصلاح‌طلبان؛ نگاه توامان به جامعه و قدرت

فشار بودجه بر روی اقشار ضعیف خواهد بود

عملکرد مجلس نشان داد در راس امور نیست

آرمان ملی: بعد از انتخابات خرداد ماه ۱۴۰۰ در حالی که تب و تاب انتخاباتی فروکش کرده بود با انتشار نامه شورای نگهبان به علی لاریجانی که در آن دلایل رد صلاحیت وی برشمرده شده بود بحث انتخابات ۱۴۰۰ بار دیگر داغ شد و موجبات بروز واکنش‌هایی را فراهم آورد. از طرفی نیز وضعیت اقتصادی و معیشتی بغرنج جامعه باعث شده تا مردم نسبت به وعده‌ها و قول‌های داده شده از سوی دولت و مجلس، لزوم بازیابی اعتماد عمومی و راهکارهای آن و بررسی مساله اخیر نامه شورای نگهبان و پاسخ علی لاریجانی «آرمان ملی» با حجت‌الاسلام مصطفی درایتی فعال سیاسی اصلاح‌طلب و عضو حزب اتحاد ملت به گفت‌وگو پرداخته است که می‌خوانید.

تحلیل شما از دلایل رد صلاحیت آقای علی لاریجانی که از سوی شورای نگهبان ارائه شده چگونه است؟

انتشار نامه و اطلاع مردم از محتوای آن طبیعتا قضاوت خوبی نداشته است. کسی به این بهانه‌ها که مشابه آن در افراد تایید صلاحیت شده وجود داشته دهها پرسش جدی مطرح می‌کند که به نظر می‌رسد انگار کسان دیگری تصمیم می‌گیرند. این عملا خوب نیست. انتظار این بود که چارچوب‌ها در آنجا بیشتر ملاحظه شود، حقوق مردم بیشتر مراعات شود، سعی شود با این کارها که در این گونه اظهار نظرها وجود دارد که شاید مشابه آن در مورد دیگران هم باشد و اختصاص به آقای لاریجانی ندارد و آقای لاریجانی باید بداند که آن زمانی که دیگران انتقادتی داشتند، هیچکدام پاسخگویی درستی نداشتند، فردا هم احتمالا نصیب دیگرانی می‌شود که امروز حساسیت لازم برای اصلاح برخی اقدامات ندارند. وگرنه چه فرقی میان آقای لاریجانی و دیگران است. اتفاقات این شکل نشان‌دهنده یک مساله در جامعه است که آن هم عبارت است از اینکه یک عده‌ای فقط به دنبال این هستند که مقصود و منظور خودشان محقق شود. برخی رویکردها خسارتی برای جامعه ایجاد می‌کند. این رویکرد خسارت بارتر از نتایج مقطعی است که شاید برخی دنبالش هستند. امیدوارم این قضیه یک جوری تعیین تکلیف شود و همه بدانند که باید چگونه به عرصه سیاسی و مناصب اجرایی ورود پیدا کنند. با این وضعیت نه اصولگرا و نه اصلاح‌طلب نمی‌دانند که قاعده اصلی و رویه چیست و آیا ورود پیدا کنند یا نه؟ به نظر می‌رسد قبل از این حرف‌ها مسائل دیگری را باید دنبال بکند ولی به هر صورت برای من روشن بود که یک جریانی رفتارهایی را دارد دنبال می‌کند که مجموعا اصل مشارکت مردم را خدشه‌دار کند. متاسفانه مرتب این مساله تکرار شده و غلیظ و غلیظ‌تر شده و حاصل آن هم شده جدلی هایی در فضای مجازی و رسانه‌ای.

تاکنون واکنش‌های متفاوتی را نسبت به بودجه ارائه شده توسط دولت شاهد بوده‌اید؛ از زیابی شما در این خصوص چگونه است؟

در خصوص بودجه کارشناسان اقتصادی باید صحبت کنند. اما اگر بخواهیم به طور اجمالی بودجه تنظیم شده را بررسی کنیم فشار بیشتر روی اقشار فقیر جامعه است و همچنان ادامه خواهد داشت و هیچ راهکاری هم که به واسطه آن بتوان به اقتصاد کشور و کم کردن فشار از روی گرده مردم کمک کرد مشاهده نمی‌شود. همان روند و روالی که قبلا در دولت آقای احمدی نژاد دیده شده در این دولت و بودجه هم دیده می‌شود. وقتی که نمی‌توانند راهکاری را پیدا کنند از راهکاری استفاده می‌شود که فشار بر روی اقشار ضعیف را افزایش خواهد داد. اگر مشکلات اقتصادی این بودجه بر مردم وارد شود، کمترکش خواهد بود.

عده‌ای صحبت‌هایی را مطرح می‌کنند که با کرامت بانوان در تضاد است و از سوی دیگر کمیسیون ماده ده احزاب انتخاب خانم آذر منصوری را به عنوان دبیر کل حزب اتحاد ملت ایران تایید نکرده است. بازتاب این سخنان و رفتارها را چه می‌دانید؟

قبلا هم این سخنان مطرح می‌شد اما شعاع آن در همان مجلسی بود که گوینده سخن می‌گفت اما حالا با توجه به وسایل ارتباط جمعی زیادی که در اختیار است باعث بازپخش گسترده سخنان می‌شود و طبیعتا این سخنان بیشتر به گوش مردم می‌رسد. گوینده‌گان این سخنان باید بدانند که فضای ذهنی که دارند نسبت به آنچه در جامعه ایران و دنیا اتفاق افتاده از زمین تا آسمان تفاوت می‌کند و اگر نتوانند ذهنیت و وضعیت فعلی را هضم کنند ممکن است که سخنان آنها موجب رنجش مردم شود. افراد همه یک شکل و یک فکر نیست